


ریشه‌شناسی نام «الله» در ادیان و سنت‌های قبل از اسلام

محمد صحاف کاشانی / پسا دکتری پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی

mskashani@chmail.ir

 orcid.org/0009-0003-6748-2155

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

چکیده

برخی از مستشرقین در قرن بیستم مدعی شدند که عنوان «الله» در قبل از اسلام نام خدای ماه اعراب بت‌پرست بوده و پس از اسلام به خدای یگانه و لایزال تغییر یافته و این ادعا ابزاری برای تبلیغات مبشرین مسیحی منتقد اسلام قرار گرفته است. در این تحقیق به دنبال آن هستیم که نشان دهیم آیا بین «خدای ماه» و «الله» ارتباطی وجود دارد یا نه. برای بررسی این ادعا، ابتدا استنادات باستان‌شناسان مورد بررسی قرار گرفت و هیچ سندی یافت نشد که نشان دهد میان «خدای ماه» و «الله» رابطه‌ای وجود داشته است. در مرحله دوم به بررسی استعمال این واژه در میان مسیحیان قبل از اسلام پرداختیم. نتایج نشان داد که مشتقات نام «الله»، در کتاب مقدس به‌عنوان خدای مسیحیت به‌کار رفته است و مسیحیان عرب‌زبان قبل از اسلام، خدا را با نام «الله» مورد پرستش قرار می‌دادند. همچنین در باور اعراب قبل از ظهور اسلام، یک خدای اصلی به‌نام «الله» وجود داشته است و تعداد زیادی بت هم بودند که این بتان وظایف کوچکی بر عهده داشتند؛ ولی هیچ بت یا خدای دیگری غیر از خدای قادر مطلق و خالق متعال به‌نام «الله» نامیده نشده است.

کلیدواژه‌ها: الله، بت، حصور، خدای ماه.

سرشماری شورای روابط اسلامی - آمریکایی نشان داد که حدود ده درصد از آمریکایی‌ها بر این باورند که مسلمانان بت‌پرستانی هستند که خدای ماه را می‌پرستند (گریگوری، ۲۰۰۹، ج ۱۵، ص ۲۲۲-۲۴۰) و این ادعا چنان ترویج می‌شود که حتی یک پویانمائی به‌نام «جک چیک» برای نهادینه ساختن این باور در میان کودکان ساخته شده است (لریبیک، ۲۰۱۰، ص ۴۶). این استدلال مبتنی بر نظریات برخی از باستان‌شناسان در قرن بیستم است. شاید هوگو وینکلر (Hugo Winckler) در سال ۱۹۰۱م (۱۲۷۹ش) اولین کسی بود که چنین دیدگاهی را ارائه کرد (فهد ۱۹۶۸، ص ۱۰۲-۱۰۳) و سپس باستان‌شناس هم‌عصر وی، دیتلف نیلسن (Ditlef Nielsen) معتقد شد که خدایان سامی را به سه‌گانه «ماه، خدای پدر»، «خورشید، خدای مادر»، و «تاھید (ونوس)، خدای پسر» تقسیم کرده است. این نظریه بعدها توسط دیگران به‌صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفت، بدون آنکه به‌صورت علمی درباره آن تحقیق و پژوهش صورت گیرد.

از سال ۱۹۹۱م (۱۳۶۹ش) نظریه دیتلف نیلسن در قالبی جدید توسط رابرت موری (Robert Morey) ارائه شد. او در رسانه‌های مختلف، اعم از رادیو و کتاب‌ها، این ادعا را مطرح کرد که «الله» چیزی جز همان خدای ماه - که خدای بت‌پرستان عرب (شبه‌جزیره عربستان) بود - نیست و برای تأیید ادعای خویش به یافته‌های باستان‌شناسی در خاور نزدیک استناد می‌کرد (موری، ۱۹۹۴). ادعاهای وی دستمایه مسیحیت تیشیری برای به‌راه‌اندازی تبلیغات بی‌پهلو بر ضد اسلام قرار گرفته است. همچنین با توجه به اهمیت مسئله «ماه» در تقویم اسلامی، احتمال دادند که خدای ماه همان «الله» باشد.

برای بررسی این ادعا، تا کنون مطالعات گسترده‌ای به زبان فارسی صورت نگرفته است و بیشتر سایت‌های پاسخ‌گویی به شبهات، صرفاً با رویکرد قرآنی به این شبهه پاسخ داده‌اند؛ اما در زبان انگلیسی تحقیقاتی در این باره نگاشته شده است؛ از جمله مقاله «مسلمانان خدای ماه را نمی‌پرستند» (زعتری، ۲۰۱۷) و مقاله «الله خدای ماه: افسانه یا واقعیت» (اعجاز، ۲۰۱۲) و مقاله «پاسخ به افسانه خدای ماه» (شیر، ۱۳ آوریل ۲۰۰۰).

این پژوهش قصد دارد پاسخ به چند سؤال را مورد بررسی قرار دهد: کاربرد واژه «الله» قبل از اسلام چگونه بوده است؟ آیا این واژه برای بت ماه استعمال می‌شد؟ یا حتی قبل از اسلام نیز این واژه صرفاً برای خدای قادر مطلق و خالق متعال به کار می‌رفت؟ صرف یافتن یک مجسمه همراه با هلال ماه و نیز با توجه به اهمیت ماه در تقویم و فرهنگ اسلامی، آیا می‌توان به این نتیجه رسید که این مجسمه همان خدای «الله» در میان ادیان باستانی بوده است؟ همچنین می‌خواهیم بررسی کنیم که آیا این واژه در میان مسیحیان و یهودیان عرب زبان قبل از اسلام نیز استفاده می‌شده است؟ استنادات باستان‌شناسی، تاریخی و کتاب مقدسی، درباره این استعمال چه نظری دارند؟ این پژوهش ضمن بررسی باستان‌شناسانه، به بررسی متنی و تاریخی این واژه در میان ادیان و مکاتب قبل از اسلام پرداخته است.

۱. مسئله نام خدا

مسئله چپستی نام خدا یکی از چالش‌های بنی‌اسرائیل بوده است. طبق آموزه‌های کتاب مقدس، کسی از ابتدا اطلاعی از نام خداوند نداشت و این مسئله یکی از رازهای سربهمهر در میان بنی‌اسرائیل بود. حضرت موسی علیه السلام در

اولین ملاقاتی که با خدا داشت، ابتدا درباره نام خداوند پرسید و به خداوند عرضه کرد: «اینک چون من نزد بنی اسرائیل برسم و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است و از من بپرسند که نام او چیست، بدیشان چه گویم؟» خدا به موسی گفت: «هیبه آشیر ایهیه» (هستم آن که هستم) (خروج ۱۳: ۱۴).

بعدها خدا خود را با نام «یهوه» به حضرت موسی علیه السلام می‌شناساند؛ اما تا قبل از زمان حضرت موسی علیه السلام خدا با نام‌های دیگری در میان بنی اسرائیل شناخته می‌شد که خدا به موسی علیه السلام می‌فرماید: «من "یهوه" هستم. بر ابراهیم، اسحاق و یعقوب با نام "إِل شَدَائِ" (إِلَّا شَدَائِ) ظاهر شدم؛ ولی خود را با نام "یهوه" (إِلَّا شَدَائِ) بر آنها شناساندم» (خروج ۶: ۳).

در زبان عربی، «الله» به معنای خداست و به هر معبودی که مورد پرستش قرار گیرد، «الله» گفته می‌شود: «لَا تَتَّخِذُوا الْهَيْبَةَ الْإِنْسَانِيَّةَ» (نحل: ۵۱)؛ «رَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان: ۴۳)؛ «أَنْتَ فَعَلْتَ بِالْهَيْبَةِ» (انبیاء: ۶۲)؛ و مسلمانان وقتی می‌خواستند نام خدا را ببرند و منظورشان نه خدایان باطل، بلکه خدای واحد قادر متعال بود، با حرف تعریف «ال» آن را معرفه می‌کردند؛ مانند «الرجل» که معرفه «رجل» است، به معنای همان مردی که مدنظر و مشخص است. واژه «الله» نیز از دو بخش «ال» (الف و لام حرف تعریف) + «الله» (خدا یا معبود در مفهوم عام و نکره) تشکیل شده است (Gardet, Allah) و با به هم چسباندن این دو، واژه «الله» تشکیل می‌شود (یورینگ، ۲۰۰۷). عرب‌زبانان وقتی می‌خواستند نام خدای واحد قادر مطلق را ببرند، می‌گفتند: «همان خدا» (ال+اله = الله) و بر اثر کثرت استعمال، همزه آن حذف شد (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸۰).

این واژه به اسم علم و اسم خاص ذات مقدس خداوند تبدیل شده است (توحید: ۱) که جامع همه صفات جلالی و جمالی است و جز بر او اطلاق نمی‌شود: «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (حشر: ۲۴)؛ «وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ» (انعام: ۳)؛ و اوست که در آسمان‌ها خداست؛ «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (قصص: ۷۰)؛ و اوست خدا که معبودی جز او نیست؛ که در این مورد، کنار هم نهادن «الله» و «الله» جالب توجه است (مک دونالد، «الله»).

و خداوند از مؤمنین خواسته است که خدا را با نام‌های حسناش بخوانند: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۖ فَادْعُوهُ بِهَا» (اعراف: ۱۸۰). منحرفان از دیرباز تلاش داشتند تا نام خدا را به‌انحراف بکشاند و خداوند دستور داده است: «وَدُرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ» (همان)؛ کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گریند، رها کنید.

از طرفی قرآن مجید بیان می‌کند که واژه «الله» حتی قبل از اسلام صرفاً برای خدای قادر متعال به کار می‌رفته است و هیچ بت یا الهه دیگری جز او به نام «الله» نامیده نشده بود. ابن‌خالویه در تفسیر آیه سوره مریم می‌گوید: «هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا» (مریم: ۶۵)؛ «آیا برای او (اشاره به الله) همانمی‌می‌دانی؟» گفته شده است: یعنی آیا در مشرق و مغرب، خشکی و دریا، کوه و هموار، و هر مکان و هر جایی احدی را که اسم او «الله» باشد، غیر از او می‌شناسی؟ یعنی نخواهی شناخت و کلمه «الله» اسمی است که سزاوار نیست، مگر برای الله بلندمرتبه (ابن‌خالویه، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۱۳). بنابراین، «الله» فقط نام خدای قادر مطلق و آفریننده جهان بوده و او هیچ همنامی در میان بتان و غیر آنان نداشته است.

۲. بررسی دلالت مجسمه کشف‌شده در فلسطین بر «الله»

از اوایل قرن بیستم میلادی، باستان‌شناسان به نشانه‌هایی از مجسمه‌ها یا رسوم بت‌پرستانی دست یافتند که نشان می‌دهد آنها خدای ماه را پرستش می‌کردند. رابرت موری نیز با توجه به اهمیت «ماه» در تقویم اسلامی، حدس و گمان‌هایی ارائه کرد که بین «خدای ماه» و «الله» ممکن است رابطه‌ای وجود داشته باشد. وی اظهار می‌کند که در دهه ۱۹۵۰م (دهه ۱۳۳۰ش) در حاصور فلسطین حفاری‌هایی صورت گرفت که طی آنها بت‌های «خدای ماه» یافت شد. هر کدام از این مجسمه‌ها مردی را نشان می‌داد که بر تختی نشسته است و هلال ماه بر سینه او حک شده است. کتیبه‌های همراه با مجسمه به‌وضوح این نکته را مشخص می‌کند که این مجسمه‌ها مربوط به بت خدای ماه است. مجسمه‌های کوچک‌تری نیز یافت شده است که به‌واسطه کتیبه‌های همراهشان مشخص می‌شود مربوط به دختران خدای ماه است (موری، ۱۸۸۳، ص ۲۱۳).

این مجسمه که قد آن حدود چهل سانتی‌متر است، مردی را نشان می‌دهد که گردن‌بندی به‌شکل هلال ماه آویخته و چیزی شبیه فنجان در دست راست خود دارد و دست چپش نیز بر روی زانویش قرار دارد. سؤال اساسی این است: این مجسمه، که موری آن را خدای ماه می‌داند، در واقع مربوط به چه کسی است؟

یگائیل یادین (Yadin)، باستان‌شناس و سیاستمدار یهودی، در ابتدا بر این باور بود که این یک مجسمه خداست (یادین، ۱۹۷۵، ص ۴۴)؛ اما ظاهراً بعدها در دیدگاه خود تجدید نظر کرده است. او در *دانشنامه حفاری‌های باستان‌شناسی در سرزمین مقدس* درباره این مجسمه اظهار می‌کند که مربوط به خدا یا پادشاه است (همان، ج ۲، ص ۴۷۶).

محققان بعدی نیز درباره این مجسمه دیدگاه‌های احتمالی خود را بیان کرده‌اند. برای مثال، در *گنجینه‌هایی از سرزمین مقدس: هنر باستانی از موزه اسرائیل* درباره این مجسمه آمده است: «این مجسمه مردی را که احتمالاً کاهن است، نشان می‌دهد...» (هوارد، ۱۹۸۶، ص ۱۰۷).

امنون بن تور (Amnon Ben-Tor) در نسخه قدیمی‌تر *دانشنامه حفاری‌های باستان‌شناسی در سرزمین مقدس* ضمن توضیح درباره این مجسمه، درباره اینکه نشانگر چه کسی است، اظهار نظر نمی‌کند (بن تور، ۱۹۹۳، ج ۲، ص ۵۹۶)؛ اما در نسخه‌های بعدی به اظهار نظر می‌پردازد و می‌گوید: این مجسمه کوچک مربوط به خدا یا پادشاه است (همان، ج ۳، ص ۳).



عمیحای مازار (Amihai Mazar)، دیگر باستان‌شناس یهودی، نیز بر این باور است که این مجسمه مربوط به یک خدا یا یک کاهن است (مزار، ۱۹۹۰، ص ۲۵۴).

کاملاً روشن است که دربارهٔ این مسئله میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. درک این مسئله سخت نیست که این موضوع مورد اختلاف واقع شده است. به نظر می‌رسد، پذیرفتن اینکه این مجسمه مربوط به خدا باشد، چندان منطقی نیست؛ زیرا در حال تقدیم کردن ظرف در دست خود است. خدا معمولاً کسی است که هدیه را دریافت می‌کند. منطقی‌تر آن است که این مجسمه را مربوط به یک کاهن یا خدایپرست بدانیم که در حال تقدیم این ظرف به خداوند است. به علاوه باید توجه داشت که این مجسمه در قسمت سمت چپ معبد قرار گرفته است. اگر این مجسمه مربوط به خداوند بود، به صورت معمول و منطقی می‌بایست در وسط معبد قرار می‌گرفت، نه در قسمت چپ آن.

نکتهٔ دیگر آن است که با وجود تفاوت دیدگاه‌های محققان دربارهٔ اینکه این مجسمه نشانگر چه کسی است، هیچ‌کدام از دانشمندان آن را مربوط به خدای ماه ندانسته‌اند و نگفته‌اند که کتیبه‌های همراه با مجسمه، آن را خدای ماه معرفی می‌کند. علاوه بر این، بر فرض ارتباط این مجسمه با خدای ماه، باز به استناداتی نیاز است که نشان دهد خدای ماه برابر با «الله» است و در اسناد باستان‌شناسی هیچ تجسم شمایل‌گونه‌ای از «الله» شناخته نشده است (پیترز، ۱۹۹۴، ص ۱۰۷). همچنین این ادعای موری که در حاکم مجسمه‌های دیگری همراه با کتیبه‌هایی پیدا شده است که نشان می‌دهد مربوط به دختران خدای ماه است، درست نیست و متأسفانه این مطلب از جمله شواهد جعلی است که او ذکر کرده و از پیش خود داستان‌سرایی کرده است. نکتهٔ آخر اینکه هیچ سند یا حتی ادعایی وجود ندارد که نشان دهد نام این مجسمه «الله» بوده است.

۳. بررسی دلالت مجسمه‌های کشف‌شده در یمن بر «الله»

طبق ادعای موری، کاوش‌های باستان‌شناسی در قرن نوزدهم میلادی به یافتن هزاران کتیبه در سرزمین‌های «عربستان جنوبی» نظیر سبأ، معین (در یمن) و قتبان (در یمن) انجامید. در دههٔ ۱۹۴۰م (دهه ۱۳۱۰ش) و همچنین ۱۹۵۰م (دهه ۱۳۲۰ش) تعدادی از باستان‌شناسان اکتشافات قابل توجه دیگری انجام دادند. این شواهد نشان می‌داد که دین غالب سرزمین‌های عربی فرقهٔ «خدای ماه» بوده است. در سال ۱۹۴۴م (۱۳۲۲ش)، کاتون تمپسون در کتاب خود با عنوان *مقبره‌ها و معبد «ماه» در حریضه* نوشت که اکتشافات او در سرزمین‌های عربستان جنوبی معبد خدای ماه بوده است. نماد هلال ماه به‌همراه دست کم ۲۱ کتیبه به‌نام «سین» (Sin) که گویا همان خدای ماه است، در این معبد کشف شد. این نظرات کاتون تمپسون توسط باستان‌شناسان بعدی مورد تأیید قرار گرفت (موری، ۱۸۸۳، ص ۲۱۳-۲۱۵).

دربارهٔ این دیدگاه موری باید گفت: در اصل این موضوع که ستاره‌پرستی در عربستان جنوبی رایج بوده است، شکی نیست؛ اما باید دانست که هر کدام از قلمروهای پادشاهی در این سرزمین‌ها خدای ملی خود را داشته‌اند: در سرزمین سبأ (Sheba)، «المقه» (Immaqah) خدای ملی قبایل سبائی در مأرب (Marib) بود؛ در حضرموت، «سین» (Syn or Sayin) خدای ملی بود؛ در قتبان (Qataban)، خدای ملی، «ام» (Amm) نامیده می‌شد؛ در معین (Ma'in)، خدای ملی «واد» (Wadd) بود (ریچمانز، ۱۹۸۸، ص ۱۰۷). بنابراین، تقلیل و محدود کردن خدایان در عربستان جنوبی به خدایان تثلیثی که توسط نیلسن صورت پذیرفته، بی‌مورد است.

ژاک ریکمان (Jacques Ryckmans) در این باره اظهار می‌کند:

بسیاری از اشاره‌ها به خدایان، با القاب خاص صورت می‌گرفت؛ القابی که فاقد بیان ذات و یا جنسیت خدایان بود. همین نکته می‌تواند روشن سازد که چرا ادعای نیلسن درباره محدود کردن خدایان به تثلیث خدای ماه / پدر، خورشید / مادر (خورشید در زبان عربی مؤنث است)، ناهید (ونوس) / پسر، واکنش‌هایی منفی را برانگیخته است...» (ریچمانز، ۱۹۸۸، ص ۱۰۷).

همچنین این ادعا توسط نیلسن مطرح شده است که خدای «المقه» در مآرب همان خدای ماه بوده است که باز نشان می‌دهد پرستش خدای ماه، در این سرزمین رواج داشته است.

در پاسخ به این مطلب باید گفت: اولاً - چنان که قبلاً گفته شد - معمولاً القاب و عناوین خدایان به گونه‌ای به کار می‌رفت که جنسیت آنها را نشان نمی‌داد؛ ثانیاً این دیدگاه که «المقه» خدای ماه بوده، امروزه دیگر از سوی محققان مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. ریکمان در *لغت‌نامه بایبل انکور* می‌نویسد: «...تا پیش از این تصور می‌شد که المقه همان خدای ماه است؛ اما گاربینی (Garbini) و پیرنه (Pirenne) برای ما روشن ساخته‌اند که سر گاو و شراب همراه با او نشانگر ارتباط آن با خورشید و مشابهت به دیونسیوس است. بنابراین، المقه خدای خورشید بوده...» (ریچمانز، ۱۹۹۲، ج ۶ ص ۱۷۲). بیستون (A. F. L. Beeston) نیز در *دانشنامه اسلام* به همین نکته می‌پردازد و اظهار می‌کند که حتی تا به امروز نیز برخی از دانشمندان «المقه» را خدای ماه معرفی می‌کنند و این در حالی است که گاربینی با دلایل قانع‌کننده نشان داده است که او را باید خدای جنگجو، مانند «هراکلس» (Herakles) در یونان یا «دیونسیوس» (Dionysius) دانست (بیستون، ۱۹۹۵، ص ۶۶۴-۶۶۵).

ژان فرانکو برتون (Jean-François Breton) نیز به صراحت می‌گوید: «...المقه خدای خورشید مذکر است» (برتون، ۱۹۹۸، ص ۱۱۹-۱۲۰). در *دانشنامه بریتانیکا* نیز آمده است: «تا پیش از این تصور می‌شد که المقه خدای ماه است...؛ اما امروزه معمولاً آن را خدای خورشید و مذکر می‌دانند». همچنین امروزه بسیاری از محققان معتقدند که «سین»، خدای ملی در حضرموت - که قبلاً به آن پرداختیم - خدای مذکر و خدای خورشید است. برای مثال، جیان فرانکو برتون می‌گوید: خدای ملی حضرموت، که با عنوان سایین (Sayin) شناخته می‌شد، خدای خورشید بود (همان، ص ۱۲۲). ژاکوس رایکمزن نیز همین گونه اظهار می‌کند که «سین» خدای خورشید و مذکر بوده است (رایکمزن، ۱۹۸۸، ص ۱۰۷). هنینگر (Henninger) درباره این ادعای نیلسن چنین می‌گوید: این نظریه بیش از حد مبتنی بر ایده‌پردازی است که دیدگاه‌های قوی در مخالفت با آن وجود دارد... می‌بایست کلام رایکمزن را معتبر دانست... که از نظریات مشکوک نیلسن دوری می‌جوید (هنینگر، ۱۹۸۱، ص ۴).

آلبرایت نیز بر این نکته تأکید می‌ورزد که باید در زمینه تحقیقات و نظریات نیلسن با احتیاط فراوان برخورد کرد و لازم است آنها را تعدیل نمود (آلبرایت، ۲۰۰۳، ص ۳۲۱) و در پایان نیز باید گفت: هیچ سندی وجود ندارد که نام دیگر خدای سین یا المقه، «الله» بوده است.

البته مسیحیان انجیلی که مستند به احتمالات و حدسیات نیلسن و سپس موری قائل شدند که «الله» در واقع نام خدای ماه در فلسطین و یمن بوده، آیا سایر ادعاهای نیلسن را که معتقد است پهوه در کنار بت ایشتار و بعل، در واقع یکی از سه بت تثلیثی در عصر پادشاهان بوده است، نیز می‌پذیرند؟ نیلسن می‌گوید: مکتب قدیمی عربی در میان عبرانیان نیز یافت می‌شده است... در سه‌گانه «پهوه، بعل، ایشتار» که در عصر پادشاهان مورد احترام مردم بودند... به همین دلیل بود که پهوه نیز به شکل گاو نر مجسم و پرستیده می‌شد و مذبح آن مشتمل بر شاخ بود (خروج ۳۲: ۴ به بعد، اول پادشاهان ۱۲: ۲۸، هوشع ۸: ۵) (نیلسن، ۱۹۲۷، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴).

۴. قرآن و نفی پرستش خدای ماه

ادعای مبشران انجیلی مبتنی بر این باور است که «الله» نام خدای ماه بوده و پیامبر اسلام ﷺ آن خدا را ترویج می‌کرد؛ این در حالی است که قرآن به شدت با پرستش بتان مبارزه می‌کند و ماه و خورشید را دو مخلوق خداوند (و نه یک خدا یا الهه!!) معرفی می‌کند: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالْقَمَرَ لَا تَسْجُدُ لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (فصلت: ۳۷)؛ «و از نشانه‌های [حضور] او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه؛ و اگر تنها او را می‌پرستید، آن خدایی را سجده کنید که آنها را خلق کرده است». البته پرستش خدای ماه در منطقه فلسطین پیشینه بسیار قدیمی دارد. قرآن مجید درباره حضرت ابراهیم ﷺ که می‌خواست وجدان قومش را آگاه سازد و آنها را از پرستش ماه و ستارگان برحذر دارد، می‌فرماید: «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لئن لم يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» (انعام: ۷۷)؛ «و چون ماه را در حال طلوع دید، گفت: این پروردگار من است. آن‌گاه چون ناپدید شد، گفت: اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان بودم». بنابراین به‌رغم تصورات باستان‌شناسان، پیامبر اسلام ﷺ در قرآن در قالب داستان گفت‌وگوی حضرت ابراهیم ﷺ با قومش، با صراحت پرستش خدای ماه را نفی می‌کند و با استدلال به فانی بودن ماه، ساحت اسلام را از پرستش چنین خدایی مبرا می‌داند. حضرت ابراهیم ﷺ خودش را از هر آنچه جز «الله» می‌پرستند (از جمله خدای ماه)، بری می‌داند (ممتحنه: ۴) و این کار را یک گمراهی آشکار می‌خواند (انعام: ۷۴) و از همین رو به قومش می‌فرماید: «إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا... وَ مَا أَوْكُمُ النَّارُ» (عنکبوت: ۲۵)؛ «ای مردم! شما خود می‌دانید که بت‌هایی را به جای الله به خدایی برگرفته‌اید... و جایگاه تمام شما آتش دوزخ است».

۵. استعمال هم‌خانواده‌های واژه «الله» در میان انبیای قبل از اسلام

کلمه «الله» در متون مقدس مسیحی و یهودی دارای ریشه است. خویشاوندی کلمه «الله» در بین زبان‌های سامی دیگر، مانند عبری و آرامی، موجود است. برخی فرهنگ‌ها کلمه‌های معادل آرامی «الله» در زبان آرامی کتب مقدس را Ēlāhā و فرم سریانی آن را Alāhā یا Ālōhō دانسته‌اند. واژه «اله» مسلماً با Ālōhō

یکی است و شکل گسترش یافته مؤلفه «ال / ایل» است که در زبان‌های سامی رایج است. در میان مسیحیان و یکتاپرستان این واژه برای اشاره به خدا به کار می‌رفت (مک دونالد، «الله»). واژه یادشده به لحاظ ایتیمولوژی (Etymology) با واژه «تِلِه» (با تلفظ «إل») یا «تِلُوَه» (با تلفظ «لْتِه») در زبان عبری و «الاه» در آرامی هم‌ریشه است و همه اینها مشترکاً از ریشه بازسازی شده سامی آغازین «تیل» گرفته شده‌اند. آلفرد گیوم می‌نویسد: کهن‌ترین نام خدا در جهان سامیان، مرکب از دو حرف «ل» و «ل» بود که در میان بابلیان «ایل» و در میان عبریان اسرائیل «إل» تلفظ می‌شد. در کتیبه‌های مردم نبطی، «الله» به معنای خدا بود (گیلیوم، ۱۹۹۰، ص ۷) (فخر رازی نیز معتقد است که «الله» گونه دیگر از واژه «الاهه‌ی» در متون سریانی است (فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۴۸).

لازم به ذکر است که قرآن مجید استفاده از نام «الله» در میان پیامبران پیش از اسلام را تأیید می‌کند: حضرت نوح علیه السلام کشتی را با «بسم الله» به حرکت درآورد و با «بسم الله» در خشکی نشانند: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَأَهَا وَ مَرْسَاهَا» (هود: ۴۱): حضرت سلیمان علیه السلام نیز نامه خود را با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز کرد. از قرآن نیز همین نکته روشن می‌شود که کلمه «الله» عنوانی برای خدای متعال بوده است و یهودیان و مسیحیان جزیره العرب نیز از کلمه «الله» استفاده می‌کردند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ ابْنُ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ...» (توبه: ۳۰).

از همین رو کلمه «الله» در زبان عرب شناخته شده بوده است. بنابراین اینکه نام کسانی «عبدالله» بوده باشد، آن هم اشخاصی چون پدر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، که همه از موحدان و تابع دین حضرت ابراهیم علیه السلام بودند (بحرانی، ۱۳۳۴، ج ۳، ص ۳۱۲)، عجیب نیست.

۶. استعمال واژه «الله» در مسیحیت عرب زبان قبل از اسلام

کاوش‌های باستان‌شناسی در کلیسای ام‌الجمال در شمال اردن به کشف کتیبه‌ها و قبرهایی از مسیحیان عرب پیش از اسلام انجامیده است. در این کتیبه‌ها از کلمه «الله» به عنوان نام خدا استفاده شده و حتی نام برخی از مسیحیان عرب «عبدالله» (بنده خدا) بوده است (براون، ۲۰۰۶، ص ۸۰). کلمه «الله» بارها در گزارش‌ها و فهرست شهیدان مسیحی در جنوب عربستان یافت می‌شود. این گزارش‌های باستانی سریانی، اسامی کشته‌شدگان مسیحی در زمان پادشاهی حمیر و امپراتوری اکسوم را دربرمی‌گیرند (همان). یک رهبر مسیحی به نام عبدالله بن ابی بکر بن محمد، که در سال ۵۲۳م (حدود صد سال قبل از هجرت) و قبل از ظهور اسلام کشته شده بود، انگشتی داشت که بر روی آن نوشته بود: «الله پروردگار من است» (همان). در یک کتیبه مربوط به سال ۵۱۲م (حدود ۱۱۰ سال قبل از هجرت) در کلیسایی که دارای مرقد شهدای مسیحی بود، اشارات به «الله» به هر دو زبان عربی و آرامی یافت می‌شود. کتیبه با عبارت «با کمک الله» آغاز می‌شود (ibid). در نسخه‌های عربی کتاب عهد جدید در پیش از اسلام، نام «الله» به عنوان خدا مورد استفاده قرار گرفته است (ویننت، ۱۹۳۸، ص ۲۳۹-۲۴۸). «الله» در اشعار عرب‌های مسیحی پیش از اسلام که توسط غسانیان و تنوخیان در سوریه و شمال شبه جزیره عربستان سروده شده‌اند، یافت می‌شود (شهید، ۱۹۸۴، ص ۴۵۲). امروزه عرب‌های مسیحی کلمه‌ای غیر از «الله» برای اشاره به خدا

ندارند (لویس، هولت؛ پیترو، ۱۹۷۷، ص ۳۳). خداوند نیز در قرآن مسیحیان هم‌عصر پیامبر ﷺ را خطاب می‌کند و به آنها می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» (آل عمران: ۶۴). این آیه گویاست که مسیحیان آن عصر «الله» را خدای خود می‌دانستند و خداوند نیز بر این مسئله به‌عنوان مسئله مورد اشتراک مسلمانان و مسیحیان تأکید می‌کند.

۷. استعمال «الله» برای خدای قادر مطلق در عرب جاهلی

نکته مهم اینکه نام «الله» در عرب جاهلی شناخته‌شده بود؛ ولی نه به‌عنوان یک بت؛ بلکه آنان «الله» را به‌عنوان خدای قادر مطلق و آفریننده جهان می‌شناختند و بت‌پرستان بت‌ها را خالق خود نمی‌دانستند، بلکه «الله» و خداوند متعال را خالق خود می‌دانستند. قرآن مجید بیان می‌کند: «وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ» (لقمان: ۲۵)؛ «و هر گاه از آنان سؤال کنی که چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است، مسلماً می‌گویند: الله. بگو: الحمد لله (که خود شما معترفید)!». آنان بت‌ها را از این جهت تقدیس می‌کردند که آنها را شفیع در نزد «الله» می‌دانستند؛ چنان‌که در سوره زمر بیان شده است: «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» (زمر: ۳)؛ «اینها را نمی‌پرستیم، مگر برای اینکه ما را به الله نزدیک کنند».

همچنین بت‌پرستان معتقد بودند که «الله» خدای قادر مطلق و برتر از همه خدایان است و سایر بتان در برابر او قدرتی ندارند و درحقیقت خدایان کوچک به‌شمار می‌روند که خدای بزرگ قدرت نابودی آنها را دارد. در سوره زمر بیان شده است: «وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ ۖ قُلَّ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ» (زمر: ۳۸)؛ «و اگر از آنها بپرسی که چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است، قطعاً خواهند گفت: الله. بگو: [هان] چه تصور می‌کنید، اگر الله بخواهد صدمه‌ای به من برساند؟ آیا آن چیزهایی که به‌جای خدا می‌خوانید، می‌توانند صدمه او را برطرف کنند؟» بت‌پرستان، درواقع مشرک بودند. مشرک به کسی گفته می‌شود که در کنار خدا، دیگری را به‌باطل دارای وجهت بداند. در مناظرهای بین پیامبر ﷺ و بت‌پرستان، عقیده این گروه روشن‌تر می‌شود:

پیامبر ﷺ رو به مشرکان عرب (بت‌پرستان) کرد و فرمود: چرا بتان را پرستش کرده و از پروردگار جهان دست کشیده‌اید؟ گفتند: با این کار به خداوند (الله) تقرب می‌جوئیم. پیامبر ﷺ فرمود: مگر این بتان شنوایند و از خدایشان اطاعت می‌کنند و او را عبادت می‌نمایند تا شما به‌واسطه تعظیم آنها به خداوند تقرب جوئید؟ گفتند: نه. فرمود: مگر شما خودتان آنها را تراشیده‌اید؟ گفتند: آری. فرمود: به این ترتیب، اگر آنها شما را عبادت کنند، شایسته‌تر است تا شما آنها را (چون بتان مخلوق و شما خالقید). در این صورت، خدایی که عارف به مصالح و عواقب و حکیم در تعیین تکلیفات می‌باشد، آیا شما را به این عبادت امر کرده است؟! (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۶)

تمامی این موارد مؤید وجه متمایز و منحصر به فرد «الله» در باور اعراب باستان در قیاس با دیگر اقوام بشری شناخته‌شده است: «الله» برای مشرکان عرب همان خدای قادر مطلق و آفریننده همه چیز است. برخی محققان معتقدند که «الله» قبل از اسلام خدای آفریدگار دست‌نیافتنی بود که اهمیتش کم‌کم زیر سایه ایزدان مجسم

کمرنگ شده بود (پورتر برکی، ۲۰۰۳، ص ۴۲). درحقیقت، «الله» احتمالاً خدای برتر و مسلماً خدای آفریدگار بود («گاردت» الله)؛ و از همین روی بود که بت پرستان هیچ‌گاه اقدام به ساختن مجسمه «الله» نمی‌کردند و در میان بت‌های تراشیده‌شده و مجسمه‌های موجود در شبه‌جزیره عربستان، بتی به‌نام «الله» وجود نداشت. در قدیمی‌ترین کتاب موجود، که تاریخ نگارش آن به قرن دوم هجری بازمی‌گردد، اسامی بت‌های اعراب ذکر شده است. در این کتاب که عنوان آن *کتاب الأصنام* و مؤلف آن ابن‌کلبی است، اسامی بت‌های اعراب ذکر شده است و هیچ اثری از بتی به‌نام «الله» دیده نمی‌شود. شاید بتوان پذیرفت که این کتاب الزاماً به همه بت‌ها نپرداخته، اما از آنجاکه می‌دانیم «الله» مهم‌ترین خدای اعراب بوده است (لقمان: ۲۵)، اگر برای او بتی تراشیده بودند، می‌بایست در رأس نام‌ها قرار می‌گرفت و توصیفات وی ذکر می‌شد؛ درحالی‌که نویسنده نام و مشخصات و اشعار مربوطه، از بت‌های معروف نظیر منات، لات، عزی و هبل گرفته تا بت‌هایی نظیر نسر، یعوق، سعد و فلس را ذکر می‌کند؛ اما هیچ اشاره‌ای به بتی به‌نام «الله» نمی‌کند (ر ک: کلبی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۶-۱۵۷).

نتیجه‌گیری

گرچه برخی از مستشرقان تلاش کردند که با توجه به اهمیت تقویم قمری در اسلام و یافتن اسنادی مبنی بر پرستش خدای ماه در فلسطین و یمن باستان، با ارائه حدس و گمان‌هایی بین «خدای ماه» و «الله» ارتباط برقرار کنند، ولی از ارائه سند قاطعی که نشان از وجود بتی به‌نام «الله» قبل از اسلام داشته باشد، عاجز ماندند. با بررسی آیات قرآن درمی‌یابیم که «الله» حتی در عرب جاهلی نیز نام خدای قادر متعال بوده است، نه یک بت در میان سایر بتان. همچنین با بررسی آیات کتاب مقدس می‌توان هم‌خانواده‌های این واژه را در متون مقدس مسیحی و یهودی نیز یافت و اعراب مسیحی قبل از اسلام هم از این واژه به‌عنوان نام خداوند قادر متعال استفاده می‌کردند. قرآن کریم نیز به‌شدت با بت‌پرستی، به‌خصوص پرستش خدای ماه، مبارزه می‌کند و ماه را نه یک خدا، بلکه مخلوق و آفریده خدای متعال می‌داند و با صراحت می‌فرماید که هیچ‌همنامی برای خدا نمی‌شناسد.

منابع

- ابن خالویه، حسین ابن احمد، ۱۳۶۶، *اعراب ثلاثین سوره*، تهران، ناصر خسرو.
- بحرانی، هاشم ابن سلیمان، ۱۳۳۴ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق الموسوی الزندی، چ دوم، قم، بی‌جا.
- رازی، فخرالدین، ۱۴۱۳ق، *مفاتیح الغیب*، التفسیر الکبیر، قم، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۱، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- کلبی، ابوالمنذر هشام بن محمد، ۱۳۶۴، *الأصنام*، ترجمه سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران، نو.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، *آشنایی با قرآن*، چ دوازدهم تهران، صدرا.
- Albright, William F, 2003, *From the Stone Age to Christianity: monotheism and the historical process*, Wipf and Stock Publishers.
- Ben-Torr, 1993, "*Hazor*" in *Shtern, Ephraim*, the new encyclopedia of archaeological excavations in the Holy Land, 4. Simon & Schuster.
- Böwering, Gerhard, 2007, "God and His Attributes", in: *Encyclopaedia of the Qur'ān*, Brill.
- Breton, Jean-Francois, 1998, *Arabia Felix from the Time of the Queen of Sheba, Eighth Century B.C. To First Century A.D.*, University of Notre Dame Press, Notre Dame (IN).
- Brown, Rick, 2006, "who is Allah?", *International Journal of Frontier Missiology*, No. 23, p. 79-86.
- Ryckmans, Jacques, 1988, *The old south Arabian religion*, Pinguin-Verlag.
- F. L. Beeston, 1995, "Saba", in: C. E. Bosworth, E. van Donzel, W. P. Heinrichs & G. Lecomte, *The Encyclopaedia Of Islam*, Brill, Leiden.
- Gregory Starrett, 2009, "Islam and the Politics of Enchantment", *Journal of the Royal Anthropological Institute*, Vol. 15, S222-S240.
- Guillaume, Alfred, 1990, *Islam*, Penguin.
- Henninger, Joseph, 1981, *Pre-Islamic Bedouin Religion*, The Arabs and Arabia on the Eve of Islam.
- Howard, Kathleen, (Ed.), 1986, *Treasures of the Holy Land: Ancient Art from the Israel Museum*, Metropolitan Museum of Art.
- Ijaz Ahmad, 2012, *Allah The Moon God: Myth or Reality?*, In Calling Christians.
- Shahîd, Irfan, 1984, *Byzantium and the Arabs in the Fourth Century*, Dumbarton Oaks.
- Lewis, Bernard; Holt, P. M.; Holt, Peter R.; Lambton, Ann Katherine Swynford, 1977, *The Cambridge history of Islam: Islamic society and civilization*, Vol. 2B, Cambridge University Press.
- Lori Peek, 2010, *Behind the Backlash: Muslim Americans After 9/11*, Temple University Press.
- Mazar, Amihai, 1990, *Archaeology of the Land of the Bible 10,000-586 B.C.E*, the Lutterworth Press, Cambridge (UK).
- Morey, Robert A, 1883, *The Islamic invasion: Confronting the world's fastest growing religion*, New York, Harvest House.

- Morey, Robert A, 1994, *the moon-god Allah in the archeology of the Middle East*, Research and Education Foundation.
- Nielsen, Ditleif, 1927, "Zur altarabischen Religion", *Handbuch der altarabischen Altertumskunde*, ed. by Ditleif Nielsen, p. 177-250.
- Peters, Francis E, 1994, *Muhammad and the Origins of Islam*, SUNY Press.
- Porter Berkey, Jonathan, 2003, "*The formation of Islam: Religion and society in the Near East, 600–1800*", Vol. 2, Cambridge University Press.
- Ryckmans, J, 1992, *South Arabia, Religions of DN Freedman*, (éd.) The Anchor Bible Dictionary, 6.
- Ryckmans, Jacques, 1988, *The old south Arabian religion*, Pinguin-Verlag.
- Shabbir Ally, 2000, "Reply To Dr. Robert Morey's Moon-God Myth & Other Deceptive Attacks On Islam", In: *Islamic Awareness*.
- T. Fahd, 1968, *Le Panthéon De L'Arabie Centrale A La Veille De L'Hégire*, op. cit
- Winnett, Frederick Victor, 1938, "Allah before Islam", *The Muslim World*, No. 28(3), p 239-248.
- Yadin. Yigael, 1975, *Hazor: The Rediscovery of a Great Citadel of the Bible*, Random House.
- Zaatari, Sami, 2017, "Muslims don't Worship a Moon God: Refuting the Moon God allegation", In: *Muslim Responses*.